

نژاد مهاجرت و رویا

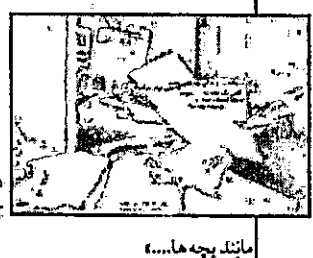
نگاهی به رمان دختر بخت نوشته ایزابل آلتنده، ترجمه اسدالله امرایی به بهانه چاپ سوم کتاب

میترا لسانی



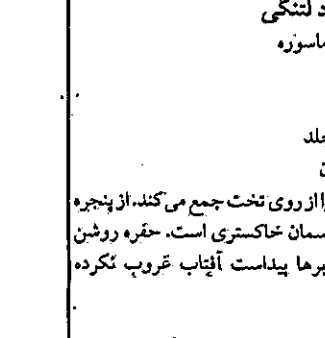
آلما
نویسنده: دکتر مهشید شیرینی
چاپ اول، سال ۱۳۷۸
انتشارات آکامان ایده
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
قیمت: ۵۰۰ تومان
از پله‌ها بالا می‌رود، کلید اتاق طبقه سوم را در مشتش پنهان کرده است. این اواخر اگر در اتاق را قفل هم نمی‌کردند چندان فرقی نداشت...

... و باز هم شاهزاده کوچولو
نویسنده: ساویسا مهور
چاپ اول ۱۳۸۰
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
قیمت: ۷۰۰ تومان
... من نویسنده نیشم / چند دلیل هم برای خودم دارم / اول این که: تا به حال کتابی نترشتم / دوم این که: برای نویسنده شدن، باید خیلی پاک بود، درست



آدم‌های سیاه
نویسنده: فرید شیرینی
چاپ اول پاییز ۱۳۸۱
شمارگان: ۳۰۰۰ جلد
قیمت: ۳۰۰ تومان
... روزی روزگاری دوره زمین هنوز هموار بود و در هیچ کجای آن حتی یک گور هم وجود نداشت، انگار خدا زمین را تازه آفریده بود...

مانند بچه‌ها...
آلتنده در این کتاب (هر چند به خاطر در امان ماندن و سالم زندگی کردن در جامعه مردان به لباس آنها در می‌آید) ولی بیشتر به این خاطر این کار را می‌کند که بتواند جوهر وجودی‌اش را نشان دهد، او در نامه‌ای برای تانوجی این می‌نویسد: «دلم می‌خواهد یک روز، پسری قوی مثل تام بی‌قبیله باشم، اما شادتر».



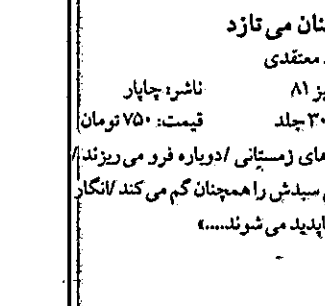
رنگ نامعلوم دانتگی
نویسنده: نصرت ماسوزه
چاپ اول ۱۳۸۱
ناشر: افلاک
شمارگان: ۲۰۰۰ جلد
قیمت: ۱۰۰۰ تومان
... ورق‌های کاغذ را از روی تخت جمع می‌کند، از پنجره به بیرون نگاه می‌کند آسمان خاکستری است. حفره روشن کوچکی از لابه‌لای ابرها پیداست آفتاب غروب نکرده هنوز...

اما آلتنده در این تقلیدهای کورده‌کانه در جا نمی‌زند، بلکه قصد او بیشتر این است که همان طور که یک «دوران تاریخی» و «توسعه کالیفرنیا» را از نگاه مهاجران بررسی کرده است، این توسعه را از طریق زنان هم نشان دهد.
او نشان می‌دهد زمانی کالیفرنیا محل زندگی جاشوها بود و تب طلا همه را گرفتار کرده بود، اما وقتی شهر توسعه یافت، زنان هم رشد کردند و دیگر کسی آنها را «جنس ضعیف» نمی‌دانست یا زنها می‌توانستند مالک زمین باشند، خرید و فروش کنند و اگر لازم بدانند طلاق بگیرند!



درختان صلح
شاعر: نرگس الیکایی
چاپ اول، پاییز ۸۱
ناشر: عمران
شمارگان: ۲۰۰۰ جلد
قیمت: ۶۰۰ تومان
«کامل‌ترین میوه‌ای بودم / که چشم‌های تپوتن از درخت چید / این آخرین حرف من است / از درخت افتادم / ای آنکه علاقه‌ای به کاشف شدن تپوتن داشته باشم»

مدن هم هست...
در این شرایط وقتی شهر، چهره معقولی به خود می‌گیرد، الیزا هم تصمیم می‌گیرد دوباره در نقش یک زن ظاهر شود.
او همچون جامعه، سیری تکاملی را طی کرده است و بالاخره لباس هایش را عوض می‌کند چون نمی‌خواهد مرد باشد.
تصویری که الیزا در آن بر تردیدهایش غلبه می‌کند موهایش‌ها را باز می‌کند و دوباره به یک زن تبدیل می‌شود از زیباترین تصویرهای «داستان است که به ستایشی شاعرانه از زن منجر می‌شود».



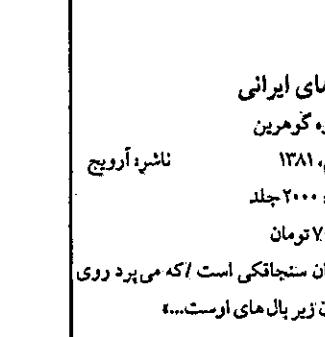
عشق همچنان می‌تازد
شاعر: محمود معقادی
چاپ اول، پاییز ۸۱
شمارگان: ۳۰۰۰ جلد
قیمت: ۷۵۰ تومان
... وقتی جمعه‌های زمستانی / ادویه فرو می‌ریزند / در حوالی ماه / آکسی سبزش را همچنان کم می‌کند / انگار تمام سبب هایش / ناپدید می‌شوند...

در مجموع آلتنده در این کتاب، باخلق شخصیت‌هایی نظیر «رز سامرس»، «ماما فریتسیا» و «الیزا» طرح پررنگی از زنان نشان می‌دهد و همچنین با شرح عقاید «میس رز» و «الیزا» از ناامنی‌های زنان سخن می‌گوید؛ «حاضر من نصف عمر را بدهم تا آزادی‌ای را که مردها دارند داشته باشم، اما ما زنیم و این صلیب ماست».



در سرزمین ویشتت
شاعر: کاره گوهرین
چاپ اول، ۱۳۸۰
ناشر: آروبیج
شمارگان: ۲۲۰۰ جلد
قیمت: ۴۰۰ تومان
... ویشتت / به میهمانی سرزمین تو آمده‌ام / دریغانیستی تا در آغوشیت کشم...

با این حال، آلتنده آن آلتنده همیشگی نیست. کتاب، به درست می‌تواند به اندازه «خانه ارواح» یا «پائولا» تکان دهنده باشد.
شاید هم به این خاطر که طنز آلتنده در این کتاب به شدت قوی است، آلتنده او کمتر است و رمان آن طوری که خانه ارواح و پائولا از قلب واقعیت بر خاسته بودند، نیست و بیشتر از تجربه‌های نویسنده مدد گرفته است.
آلتنده در جایی گفته است: «رنالیم جادویی پریش یک سیاق ادبی نیست بلکه شیوه زندگی است».



هایکوه‌های ایرانی
شاعر: کاره گوهرین
چاپ دوم، ۱۳۸۱
شمارگان: ۲۰۰۰ جلد
قیمت: ۷۰۰ تومان
«شعر همان سنجاقک است / که می‌برد روی مرداب / او جهان زیر پال‌های اوست...»

اما دختر بخت شاید تا حدودی عکس این جمله آلتنده را ثابت کند. کتاب هر چند همچون آثار قبلی آلتنده با شخصیت‌های فراوان و جزئیات زیاد و درونمایه‌های متنوع همراه است اما «رنالیم جادویی» در حاشیه آن بوده بیشتر به مثابه یک سیاق ادبی به کار رفته است.
به همین خاطر از یک طرف می‌شود فکر کرد که این کتاب، تصویر آشنایی آلتنده را مخدوش کرده است و از طرف دیگر می‌شود فکر کرد او این بار از طریق روایتی عادی از اجتماع، زن و مرد، نژاد و قوم مهاجرت و بی‌خانمانی، رویا و عشق و جنون حکایت کرده است.

را انتخاب کرده‌اند. در واقع، آلتنده که به رنالیسم جادویی وفادار است، پارادوکسی را که در ترکیب لغتی «رنالیسم جادویی» دیده می‌شود در این رمان رعایت می‌کند.
او هم جنبه اسرارآمیز رویا را نشان می‌دهد (جادو) و هم در حرکت داستانی‌اش به منطق وقایع پایبند است. (رنالیسم).
او در پایان خواننده را به این نتیجه می‌رساند که همان قدر که برای انسان، پناه بردن به رویا امری ضروری، جذاب و اسرارآمیز است، زندگی در واقعیت هم اجتناب‌ناپذیر است.
و این درونمایه‌ای است که آلتنده به دنبال اثبات آن در کتاب «دختر بخت» می‌گردد.

آلتنده در این کتاب، با زیرکی یک مهاجر در آمریکا، تجربه تحقیقاتی خود را از توسعه کالیفرنیا در قالب یک رمان ارائه می‌دهد.
اما از طرف دیگر، او شخصیت‌های اصلی کتابش را از دوررنگه‌ها، چینی‌ها و انگلیسی‌ها انتخاب می‌کند و در واقع از آمریکا فقط به عنوان پس زمینه وقایع استفاده می‌کند.
این امر بحث‌هایی را در ارتباط با «نژاد» پیش می‌آورد. بحث‌هایی که به این مسأله منجر می‌شود که کشورهای با فرهنگ غنی تر (و از همه مهمتر چین و شیلی) برجسته شوند.
اما جایگاه آمریکا کجاست؟

بخش مهمی از رمان، درباره جویندگان طلا است. همان تصویر آشنایی که در فیلم‌های وسترن دیده می‌شود و جامعه آمریکا را در لباس کاپوهای و دزدان نشان می‌دهد (شاید هم آلتنده این تصویر را از سینما گرفته است) همان طور که خودش گفته است از فیلم‌ها تأثیر زیادی می‌گیرد.



اما نکته این است که آلتنده بیشتر، وضعیت نژادهای از یادرفته‌ای همچون چینی‌ها، شیلیایی‌ها، مکزیکی‌ها و پرویی‌ها را پی می‌گیرد. او آمریکای در حال توسعه را از زوایای نشان می‌دهد که حتی سینما هم کمتر به سراغ آن رفته است، یعنی از منظر چشم مهاجرانی که از کشورهای فقیر آمده‌اند.
با این همه دیدگاه آلتنده درباره آمریکا، دیدگاه همه جانبه‌ای است. او مثل نویسندگان آمریکایی نظیر فاکتر و همیگویی از آمریکا جانبداری نمی‌کند و یا مثل ویل دورانت آن قدر متعصب نیست که معتقد باشد «واژه آمریکایی، جانشینی سست، بی‌دردسر، تنگ نظرانه و توهم‌آمیز برای ایالات متحده است، بلکه به صراحت می‌نویسد که: «آمریکا هم که جا نیست. یک مشت دلال و ماجراجو ریخته‌اند آنجا، نه سنتی می‌شناسند و نه تاریخی، برابری هیچ جای دنیا نیست، حتی بین حیوان‌ها».

و یا در جایی دیگر می‌آورد: «ایالات متحده را زایران و مومنان و مهاجران سلیم النفس با تلاش و زحمت فراوان در شرایط سخت ساختند. طلا آمریکایی‌ها را به لجن کشید و آن‌ها خوشبخت را در آنها پرورد».

در نهایت، خواننده خود را با مجموعه فشرده‌ای از عقاید مختلف نه فقط درباره آمریکا، بلکه درباره نژادهای گوناگون روبرو می‌بیند و راجع به آمریکا هم اطلاعات به دست می‌آورد و بالاخره خود به قضاوت می‌نشیند.
آلتنده به وسیله بازیهای کلامی و گفت و گوهایی که بین شخصیت‌ها رد و بدل می‌شود «موضوع» را طرح می‌کند و حالا نوبت خواننده است که آن طور که می‌خواهد برداشت کند.
زنان، زمانی که الیزا تصمیم می‌گیرد در آمریکا به دنبال معشوقش برود، دامن پنهان‌ها

وقتی نام ایزابل آلتنده با کتاب «دختر بخت» همراه می‌شود، بی‌اختیار جادوی این دو کلمه تداعی می‌شود: دختر بخت، اشاره به سرنوشته و سپس در یک فلاش بک، «خانه ارواح» به یاد می‌آید. و به دنبال آن، آینده دور از انتظار، حکومت نظامیان بر شیلی و دیکتاتوری پینوشه، کابوسی که هر چند به تبعید آلتنده منجر شد اما بعدها در آثار وی، همچون «کلمه رمز» عمل کرد و ناب‌ترین لحظه‌های داستانی را خلق کرد.

پس‌این اگر بخواهیم درباره این موضوع از منظر «رنالیسم جادویی» قضاوت کنیم باید گفت: شاید به قدرت رسیدن پینوشه بر شیلی جادویی بود تا بعدها آلتنده بتواند کتاب‌هایی بنویسد که ریشه در حقیقت دارند.
گو این که اگر بخواهیم از منظر رنالیسم جادویی درباره مکتب ادبی «رنالیسم جادویی» قضاوت کنیم هم باید گفت: شاید به قدرت رسیدن حکومت‌های دیکتاتوری در برخی کشورها، جادویی بوده است تا نویسندگان برای بیان مسائل سیاسی و اجتماعی، به تخیل ریشه‌های بومی، خرافات، رویا و افسون پناه ببرند و با این کار نه تنها از فرهنگ سرکوب شده، ی خود دفاع کنند بلکه واقعیت را در حجابی از رمز و راز ارائه دهند.

زنان بدون مردان، مردان بدون زنان وقتی شخصیت‌های کتاب را به ترتیب می‌شناسیم و پشت سر می‌گذاریم، وجه مشترکی در همه آنها دیده می‌شود: زنان و مردان کتاب، تنهایی را انتخاب کرده‌اند.
ازدواج را خط می‌کشند، او می‌گوید «شوهر یعنی سرخ».

دیگری: «جرمی» برادر غرب «رز» است. «حضور او موید این اعتقاد و باور همگانی ساحل‌نشینان است که مرد بی‌خانواده، بالقوه نامرد است».

شخصیت تک و تنهایی دیگر، «جیکاب تاده» است، مردی که تا آخری همسر می‌ماند، «ماما فریتسیا» هم تنهاست. (هر چند که او دایه سرخپوستی است که به خاطر به دنبال جادو بودن و همه چیزهای عجیبی که در خود دارد، هرگز این سوال را پیش نمی‌آورد که چرا تنهاست، چون او در حقیقت زمینی به نظر نمی‌رسد).

«الیزا» قهرمان اصلی کتاب هم در طی رمان تنهاست و بالاخره «تانوجی» هم قرار نیست ازدواج کند. اما این فقط ظاهر مسأله است. آنچه اصل است این است که هر کدام از این افراد، به دلیلی این راه را انتخاب کرده‌اند، این دلیل به جز درباره جرمی که فکر می‌کند با وجود خواهرخانه‌داریش به همسر احتیاج ندارد این است که همه شخصیت‌های کتاب در واقع، در رویارویی با رویای «شخصی» به سر می‌برند.

«رز سامرس» آن قدرها هم که ادعا می‌کند بی تفاوت نیست - او با رویای محبوب خود که سالها پیش ترکش کرده زندگی می‌کند - رویا برای او «فرمول فوق‌العاده» است که از آن طریق، «تابلوری عظیم عشقش» را زنده نگه می‌دارد.
«ماما فریتسیا» زندگی‌اش را با رویاهای فراوان و سحرآمیز دیدن جهان پر کرده است. «جیکاب تاده» قصد دارد یا «رز سامرس» ازدواج کند، او هم در حقیقت در رویا به سر می‌برد چون رز قسم خورده است با کسی ازدواج نکند.

«الیزا» در جستجوی معشوقش است که به آمریکا رفته و تا آخر رمان در رویای رسیدن به او به سر می‌برد چون هرگز او را پیدا نمی‌کند. «تانوجی» یا روح همسر مرده‌اش «الیزا» زندگی می‌کند، او آن قدر به این رویا اعتقاد دارد که همواره با روح «لین» مکالمه می‌کند و حتی سعی می‌کند از وطنش دور نشود تا روح بتواند دنبال او بیاید.
پس‌این شخصیت‌ها همگی، در موقعیتی مشابه، رویا را بر واقعیت ترجیح داده‌اند و در این بین تا کید نویسنده هم، بر رویا است.
او از یک طرف رویا را پیش برنده و عامل ترقی می‌داند، همان طور که در پایان رمان، تانوجی این می‌گوید هر کدام آنها به دنبال چیزی بودند، اما در آخر، چیزی سواي آنچه می‌خواستند پیدا کردند و از طرف دیگر، رویا را سرزنش می‌کند، چنانچه می‌بینیم الیزا بالاخره ناچار می‌شود از جستجوی بیپرده‌اش برای یافتن محبوبش دست بکشد و با تانوجی این ازدواج کند و خود تانوجی این هم مجبور می‌شود به جایی دور سفر کند و به این ترتیب روح همسرش را گم می‌کند.
«رز سامرس» و «جیکاب تاده» هم در پایان وقتی پیر و تنها شدند، متوجه اشتباهشان می‌شوند که چرا به خاطر رویاهایشان تنهایی